



شماره ۷

بی حجاب

نشریه علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زن

Email: no2veil@yahoo.co.uk

۱۷ آذر ۱۳۸۶، ۸ دسامبر ۲۰۰۷

دانشجویان بر علیه حجاب و آپارتاید جنسی و متحد جنبش برابری طلبانه زنان



در تظاهرات ۱۳ آذر امسال دانشجویان با شعارهای برابری طلبانه، با نمایش دادن حجاب بعنوان سمبل زندان و بردگی و با اعلام اینکه آزادی زن آزادی جامعه است، حمایت خود از خواسته ها و مطالبات آزادیخواهانه جنبش برابری طلبانه زنان در ایران اعلام کردند. علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زن ضمن محکوم کردن دستگیری و ربودن فعالین دانشجویی توسط ماموران جمهوری اسلامی، اعلام می کند که از مطالبات برحق دانشجویان حمایت کرده و در صف اول مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی و بدست آوردن مطالبات آزادیخواهانه با آنها همراه و همسنگر خواهد بود.



ممنوعیت حجاب در مدارس کنفرانسی مهم در آلمان با حضور گونتر والراف،

رالف جردانو و مینا احدی

مباحثه بی حجاب با مینا احدی در باره این کنفرانس



صفحه ۱۰



چکمه بلند و کاپشن کوتاه هم به لیست دشمنان نظام اضافه شدند!

سهیلا شریفی

احمد رضا رادان فرمانده نیروی انتظامی رژیم که از زمانیکه به این مقام رسیده است تا بحال طرحهای مختلفی علیه زنان و نوع پوشش آنها و بدحجابی را به اجرا درآورده است و خوشبختانه در بیشتر آنها مفتضحانه شکست خورده است، اخیرا با ایده مشعشع مبارزه با "بدحجابی زمستانی" به میدان آمده است و به لیست بلندبالای دشمنان نظام چکمه بلند و کاپشن کوتاه را هم اضافه کرده است. رادان می گوید "در طرح اخیر باهمه کسانی که از چکمه های بلند و شلوارهای تنگ و چسبان استفاده می کنند برخورد می شود. استفاده از کاپشن های کوتاه و ماتتوهای کوتاه و تنگ که حداقل تا زانو را نپوشاند نیز مشمول اجرای طرح برخورد بدحجابی و بد پوششی قرار می گیرد". روسریهای رنگی، جورابهای نازک، لاک قرمز، آرایش غلیظ (حتی غیر غلیظ آنهم هنوز با نظام دشمنی دارد!)، چکمه های بلند،

صفحه ۳

مطالب دیگر نشریه:

پروانه خودسوزی کرد، اما مرگ او یک قتل بود

مصاحبه با فرزانه اکبری از فعالین "علیه تبعیض" از ایران

دانشجویان بر علیه حجاب و آپارتاید جنسی و متحد جنبش برابری طلبانه زنان

اورگازم یا لذت جنسی در زنان چه تحولات تاریخی را طی کرده است

و مطالب خواندنی دیگر

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

تحت حاکمیت جمهوری اسلامی همه چیز بر علیه زن است!

مصاحبه با فرزانه اکبری از فعالین "علیه تبعیض" در ایران

چند تا سوال را برای دوستانمان در ایران فرستادیم که در رابطه با وضعیت زنان و جنبش برابری طلبانه نظرشان را با ما و خوانندگان نشریه بی حجاب در میان بگذارند. در این شماره جوابهای دوستانمان فرزانه اکبری از فعالین "علیه تبعیض" را می خوانید.

بی حجاب: مهمترین مسائل امروز زنان در ایران حول چیست؟
فرزانه اکبری: قوانین و سنتهای فرهنگی تبعیض آمیز علیه زنان و نابرابری حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه مهمترین مسائل زنان به حساب میاید. اگر اینها را کلی بدانیم، در مشخصه های ریزتر میتوان به مسائلی مانند حقوق اجتماعی نابرابر، مزد نابرابر با مردان و قوانین تبعیض آمیز در امر ازدواج و طلاق و حق سرپرستی فرزندان در موقع جدائی اشاره کرد.

بی حجاب: فکر می کنید چقدر مذهب و سنتهای عقب مانده بر زنان تاثیر گذاشته است؟

فرزانه اکبری: زنان مانند کل جامعه بهر حال بدرجات مختلفی تحت تاثیر فرهنگ مذهبی و سنتی قرار دارند ولی نه به عنوان ایدئولوژی انتخاب شده و جا افتاده، بلکه به مثابه ایده هایی که نسل اندر نسل در جامعه و از گذشته به ارث رسیده است. این تاثیر سطوح متفاوتی دارد و با توجه به سن زنان این تاثیر پذیری متفاوت و حتی در نسلهای جدید تفاوتها کاملاً فاحش میباشد.

چکمه بلند و کاپشن کوتاه هم به لیست دشمنان نظام اضافه شدند!

از صفحه ۱
طرح تابستانی الان چند سال پشت سر هم است که شکست می خورد. امسال بعد از دستگیری و تذکر به صدها هزار نفر (طبق آمار خود رژیم) سران رژیم و دست اندرکاران نیروهای انتظامی اعلام کردند که از عهده مردم و زنانی که در ابعاد میلیونی به قوانین رژیم دهن کجی می کنند و حاضر نیستند زیر بار بردگی حجاب و آپارتاید جنسی بروند، بر نمی آیند. طرح جداسازیهای پارکها و دانشگاهها و اتوبوسها و غیره همه ناموفق از آب در آمده اند. برای دانشگاهها بسته های حجاب بعنوان کادو فرستادند و کسی برایشان تره خرد نکرد.

در دانشگاهها و مراکز عمومی و حتی استخرها هم جاسوس گماردند، تهدید کردند، دستگیر کردند، شلاق زدند، زندان و شکنجه کردند و هیچکدام از اینها نتوانست درعزم جزم مردم و زنان ایران که کمر به نابودی این رژیم بسته اند خللی وارد کند.

سران رژیم و امام جمعه هایشان حتی ناچارند برای مبارزه با بد حجابی و بی حجابی زنان فرمان جهاد صادر کنند و برادران "متعهد بیسجشان" را به جهاد برای نجات نظامشان فراخوان دهند. سخنان امام جمعه مشهد نمونه تیپیکی از ترس و وحشت رژیم و اهمیت حفظ حجاب برای جمهوری اسلامی است. او می گوید:

ممکن است شما برای بخشی از زنان که خود سرپرستی و تامین معیشت خود و فرزندان را بر عهده دارد، تامین نان و اقتصاد مشکل اصلی باشد، ولی برای کل زنان جامعه تبعیضات اجتماعی در همه ابعاد آن به عنوان مشکل اصلی به حساب میاید.

بی حجاب: چرا فکر می کنید متشکل کردن جنبش زنان اینهمه مشکل است؟

فرزانه اکبری: به اعتقاد من همیشه در کشورهای تحت حاکمیت استبداد سرمایه داری امر تشکل و متشکل کردن اقشار و طبقات جامعه يك معضل کمونیستها و انقلابیون بوده است. امر متشکل کردن و سازمان دادن ممکن است در دوره هایی که جنبشهای اجتماعی فعال شده اند و جامعه در تب و تاب تحولات و برآمد سیاسی بسر میبرد، برای بخشهایی مانند کارگران و دانشجویان و معلمین که محل کار و تحصیل تعریف شده ای دارند، از امکان پذیری بالاتری برخوردار باشد، ولی این امر در مورد زنان به همین دلیل عدم تمرکز، کمی مشکل تر است. در ثانی ما از نظر تاریخی هم جنبش زنان را در مقایسه با جنبشهای کارگری و دانشجویی و معلمین کمی ضعیفتر میبینیم. هر چند جنبش زنان در چهار پنج سال گذشته قابلیتهای خودش را به مناسبتهاهای مختلف و بویژه در روزهای ۸ مارس بخوبی نشان داده است و در حال ارتقا سطح تشکل پذیری اش است. خود همین را باید مدیون پیشرویهایی جنبش کمونیسم

"برادران بسیجی بدانید که اگر امروز روسری خواهر شما در این انقلاب و نظام چهار انگشت عقب رفته و تار مویی از سر او مشاهده شود، باید به تعداد تارهای موی او که نامحران دیده اند، کشته بدهیم تا دوباره آن روسری به جلو کشیده شود."

زنان ایران هم این را می دانند که رابطه کاملاً مستقیمی بین نمایش تعداد تار موهای آنها و عمر رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد و به همین دلیل است که سعی می کنند تا می شود بیشتر و بیشتر موهایشان را نشان دهند و بدحجابی یا بی حجابی کنند و لباسهایی بپوشند که اعتراض و خشمشان را نسبت به قوانین اسلامی و ضد زن نشان دهند. رژیمی که با سرکوب زنان شروع کرد و برای سرپا نگه داشتن حکومتش روسریها را با پونس به پیشانی و سر زنان چسپاند هنوز بعد از نزدیک

کارگری دانست.
بی حجاب: چه ظرفیتهایی می تواند زنان را دور هم جمع کند؟

فرزانه اکبری: به اعتقاد من تا به اینجا در عمل نشان داده شده است که تشکل های علنی دفاع از حقوق زنان بهترین بوده است. البته اگر ما در سطح عالیتری از تشکل را در نظر داشته باشیم، بهترین و عالیترین آن متشکل شدن در سازمان علیه تبعیض است. ولی باید همین را هم در نظر گرفت که متشکل شدن در این سازمان بالاچار مخفی خواهد بود. باید ترکیبی از متشکل شدن مخفی و علنی را باید در نظر داشت. اساساً چون فعالیت ما در جامعه باید علنی باشد، فقط بخشی از پیشروان و رهبران عملی میتوانند در ارتباط با سازمان دفاع از حقوق زن "علیه تبعیض" متشکل شوند و مبارزه آگاهانه تری را داشته باشند. سایر فعالین برای حفظ امنیت کاری و ادامه کاری باید از طریق تشکل های علنی دفاع از حقوق زن و تحت عناوین مختلف دست به متشکل شدن و سازماندهی مبارزه زنان بزنند.

بی حجاب: درجه آگاهی و رشد زنان تا چه حد بالا رفته است؟ فرهنگ اجتماعی مردم بطور کلی تا آنجا که به زنان بر می گردد چقدر تغییر کرده است؟

فرزانه اکبری: در سالهای اخیر رشد آگاهی زنان و رشد فرهنگی غیر قابل وصفی را در

صفحه ۶

به سی سال دارد با تمام قوا تلاش می کند برای بقای نظامش هر طور شده و با هر طرحی که شده حداقل این روسریها را که روز بروز کوچکتر و رنگی تر می شود بر سرزنان نگه دارد.

ما زنان هم چاره ای نداریم جز اینکه بیشتر و بیشتر موهایمان را بیرون بریزیم و با اشعه آنها به جنگ رژیم آپارتاید جنسی و تبعیض و بی حقوقی برویم. باید بی حجابی را هر چه گسترده تر و توده ای تر کرد، باید با نیروهای انتظامی بطور سازمانیافته تری در افتاد و اجازه نداد دختران و زنان بی حجاب و بد حجاب را مورد اذیت و آزار قرار دهند. باید هر روز شیوه ها و وسایل جدید برای ضدیت با رژیم پیدا کرد، باید به روسیه ممکن با این رژیم جنگید. این تنها راه نجات از دست این نظام خرافه و ارتجاع و زن ستیزی است.

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی

پروانه خودسوزی کرد، اما مرگ او یک قتل بود سارا ارجمند از ایران

کسی که از همه چیزش زده و به خودسوزی، شنیع ترین روش خودکشی روی آورده خیلی بی معنی و مسخره به نظر میاد. بالاخره آمبولانس آمد و پروانه را به بیمارستان رساندند اما شدت سوختگی بقدری بود که بعد از دو ساعت ماندن در بیمارستان از دنیایی که برای او سراسر درد ورنج بود رفت. او تنها راه اعتراض را در پایان دادن به زندگی خود میدانست. بعد از چند روز پرس و جوها در مورد علت خودسوزی پروانه



شروع شد. آن روز که پروانه خودسوزی کرد همسرش منزل بود و وانمود میکرد که خواب بوده و از اقدام پروانه بیخبر بوده و بیرونی نشان دادن او، پرونده خودسوزی پروانه برای همیشه بسته شد. اما همه همسایه ها از وضع زندگی او تازه عروسی که دو ماه از ازدواجش میگذشت با خبر بودند او شانزده

عزازظهر تابستان بود، همه جا خلوت بود و همه در خواب بعد از ظهری بودند که ناگهان صدای جیغ و داد از کوچه بلند شد. بلافاصله بیرون رفتم و بوی تند گوشت سوخته را حس کردم. هرچه جیغ و دادها بیشتر میشد بوی سوختگی هم بیشتر و بیشتر فضای محله را پرمیکرد. همسایه ها جمع شده بودند و فریادمی زدند پروانه... پروانه... خودسوزی کرده. پاهایم توان راه رفتن نداشت و شوکه شدم وقتی فهمیدم این بوی سوختگی یک انسان است هرچه قدر سعی میکردم بروم به داخل حیاط خانه پروانه نمی توانستم انگار فلج شده بودم، نمی توانستم راه برم. بعد از چند دقیقه به زور بلندشدم و به طرف حیاط خانه پروانه رفتم همه همسایه ها دور پتویی که پروانه را در آن پیچیده بودند جمع شده بودند جلوتر رفتم تکه های گوشت سوخته گوشه های حیاط افتاده بود یک طرف حیاط دست کاملاً سوخته پروانه افتاده بود فقط استخوان سیاهی از آن مانده بود از داخل پتو صدای ناله های پروانه که بیشتر به نجوا شباهت داشت شنیده میشد. بطرفش رفتم صورتش بیرون بود اما چه صورتی... کاملاً سوخته و سیاه شده بود. دماغش کاملاً روی صورتش صاف شده بود و لبهایش مثل این بود که بهم دوخته شده اند صورتش کامل ذوب شده بود. همه با ناراحتی به پروانه نگاه میکردند یکی از آنها مرتب میگفت پروانه جان خوب میشی. شاید فکر میکرد گفتن این جمله او را امیدوار میکند. اما برای

بیراهه کشیدن مردان از راه الهی میدانند، نتیجه اش هم همین خواهد بود که هر روزه شاهدش هستیم قتل و کشتن زن برای پاسداری از ناموس بعنوان شهامت و مردانگی تعریف میشود و حتی در این جهان وارونه تعاریف و واژه ها هم معنای وارونه بخود میگیرند و هر روز می بینیم که تجاوز به جسم و روح زنان تکرار و تکرار و تکرار میشود زنانی که از ابتدایی ترین حقوق انسانی بی بهره اند و تعداد زیادی با فرار از خانه که محیطی نا امن برایشان است و رفتن در جامعه ای که نا امن تر است و از هر طرفش ناامنی برای زن به ارمغان دارد و فرار از خانه همان... واز چاله به چاه افتادن همان...

درصد زیادی با افتادن در باندهای خرید و فروش و تن فروشی هرچه بیشتر بسوی ورطه نابودی کشیده می شوند. آمار دختران فراری در حکومت های اسلامی بیداد می کند. تا زمانی که خانه محل تحقیر و توهین به زنان باشد و جامعه محلی که توهین و تحقیر به زنان را مضاعف می کند این تراژدیها هم ادامه خواهند داشت پس همه باید برای جامعه ای که در آن حقوق زن و به مشابه آن حقوق انسان محترم شمرده میشود عزممان را جزم کنیم تا اگر زنی از محیط نا امن خانه اش به بیرون (جامعه) پناه برد جامعه با آغوش باز پذیرای او بعنوان یک انسان و کمک به بهبود زندگی اش باشد.

به امید یک دنیای بهتر

کوشید که با بسیج افکار عمومی و بسیج مردم مترقی و انسان دوست جامعه سوئد، رفت و آمد سران جنایتکار جمهوری اسلامی را به کشور سوئد قطع کنیم. ما خواهان بسته شدن سفارتخانه جمهوری اسلامی که لانه تروریستها و جاسوسان جمهوری اسلامی هست، می باشیم.

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر حکومت آپارتاید
مرگ بر حکومت ضد زن

علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق
زن

۲۴ نوامبر ۲۰۰۷

ساله بود که پدرش به زور او را شوهر داد. با اذیت و آزارهایی که از طرف همسرش متحمل میشد از همان روزهای اول زندگی اش تصمیم به خودکشی گرفته بود حتی چند بار به پدرش گفته بود که نمی تواند تحمل کند و خودکشی می کند. اما پدرش مثل همیشه بی اعتنا به صحبت های او گفته بود که تو دیگر ازدواج کرده ای و با رفتن از خانه شوهرت آبروی من را می بری. حتی یک بار پدرش او را از خانه خودش بیرون کرده بود. پدر و همسر پروانه خیلی راحت پرونده خودسوزی او را واضحتر بگویی قتل او را بستند.

بستن پرونده پروانه و پروانه ها در قانون حکومتی که اسلام در آن حکم میراند کاری بسیار راحت و آسان است. حتی زنان و دخترانی که تحت نام ناموس پرستی توسط پدر و برادر یا همسرشان به قتل می رسند امروزه از اخبار هر روزه حکومت های مردسالار و اسلام زده است. اسلامی که در آیه های کتاب مقدسش توهین به زن که در متن توهین به انسان قرار دارد را ترویج میکند و با صراحت از کتک زدن زن به معنای یکی از روشهای تنبیه زنان یاد میکند و همچنین با صراحت می گوید زن بعنوان وسیله برای راحتی و آسایش مرد است و آشکارا زن را بعنوان کالای جنسی مردان تعریف میکند. واضح است در جامعه ای که وجود زن را ننگ می دانند و این چنین حرمت زن را بعنوان یک انسان بی ارزش کرده و تحقیر می کنند و نه خانواده و نه حکومت و نه قانون و... زن را آدم حساب نمی کنند و مقام و منزلتی برایش قایل نیستند و زن را پست و بی ارزش و وسیله ای برای تحریک مرد و به

سرکوبگران زنان و مردم ایران در بازدید از کشور سوئد! دولت سوئد باید پاسخگوی اعتراضات مردم ایران باشد!

هرچند دیگر چهره های این هیئت نیز از سرکوبگران معروف قوه قضاییه و نیروی انتظامی هستند. دولت سوئد با وقاحت تمام میزبان این جنایتکاران در هفته گذشته بوده است. مردم ایران شاکای این جنایتکاران هستند. دولت سوئد می بایست این جنایتکاران را بازداشت و تسلیم یک دادگاه بین المللی نماید. "علیه تبعیض" سازمان دفاع از حقوق زن، روابط دولت سوئد با این جنایتکاران را محکوم می کند و خواهان توضیح مقامات مسؤل دولت

از 18 ماه نوامبر تا 24 هیئتی از مقامات انتظامی و دولتی جمهوری اسلامی به بهانه آموزش شیوه های مبارزه با اعتیاد در کشور سوئد با مقامات این کشور دیدار و گفتگو کردند. در بین این هیئت احمدرضا

رادان فرمانده پلیس استان تهران، سرکوبگر مردم و بویژه زنان در تابستان گذشته، دیده می شود. سرکوب هزاران زن، بازداشت و شکنجه علنی صدها جوان در خیابانهای تهران به دستور ایشان و زیر فرماندهی ایشان صورت گرفته است. رادان یکی از منفورترین چهره های نیروی انتظامی در تهران است.

حجاب ها را دور بریزید

بمناسبت ۲۵ نوامبر ۲۰۰۷ روز بین المللی علیه خشونت به زنان جمهوری اسلامی را باید بمناسبت اینروز برنده "ضد زن ترین رژیم" کرد.



مهین علیپور

جمهوری اسلامی بعنوان ضد زن ترین رژیم و سیستم حاکمه برنده خواهد شد.

جایزه این برنده و آنچه که نصیب این رژیم خواهد شد دست و پنجه نرم کردن با یک جنبش رادیکال زنان است که مرگ و سرنگونی این آپارتاید جنسی را میطلبد.

مقامات این سیستم بخاطر سی سال حکومت زندان، شلاق، سرکوب، تحقیر و بی حقوقی زنان باید در این ۲۵ نوامبرها و یا هر روزه تا زمانیکه عمر ننگینشان ادامه دارد در ملاعام و در دادگاههای بین المللی محاکمه و مجازات شوند. تمامی دفتر و دستک و سفارتخانه های این رژیم باید در سطح بین المللی بسته شود.

کمک و تقویت جنبش رادیکال و برابری طلب و ضد فرهنگ مردسالار یک شیوه بسیار کاری و موثر در امر مبارزه علیه این خشونت است. بخصوص در ایران جنبش زنان که یک جنبش اجتماعی قوی و ضد مذهبی میباشد را باید حمایت و تقویت کرد و در سطح بین المللی وظیفه ماست که آترا بشناسانیم و از حمایتهای بین المللی برخوردارش کنیم. جنبش ما به یک جنبش مدرن بین المللی متعلق است که به سهم خود تلاش برای نابودی ریشه های این خشونت نه تنها در ایران بلکه در تمامی کشورهای مدافع این بی حقوقی، میکند.

15 نوامبر 2007

این ارقام واقعیت و عمق قضیه را هنوز هم کمتر نشان میدهند و در واقع فقط نوک این قله یخی است که قسمت اعظم آن در زیر خوابیده است.

برای نشان دادن اصل قضیه باید یک سری تحقیقات و مطالعات سیستماتیک بدون کنترل و قابل اطمینان وجود داشته باشد. منشا این آمار موجود خود سیستمهای حاکمه عامل بی حقوقی زنان و رسانه های دولتی و سانسور شده آنان است و بالطبع حجم کمتری از این خشونت را نشان میدهند. عامل دیگر در کامل نبودن این اطلاعات این است که بسیاری از زنان و دختران حاضر به افشای وضعیت خود نیستند و این میتواند بخاطر ترس از خانواده و یا اینکه موانع سنتی و یا فرهنگی جامعه و خانواده باشد.

برای نشان دادن این واقعیت تلخ باید در واقع یک سیستم تحقیقی و مطالعاتی بدون هر نوع وابستگی وجود داشته باشد که بتواند در شرایط بسیار آزادانه و غیر سانسور در تمامی کشورها تحقیقات خود را انجام دهد.

روز 25 نوامبر روز بین المللی علیه خشونت به زنان که هدفش متحد کردن مبارزات علیه این خشونت و بیدار سازی پیرامون این پدیده است. بجاست که جمهوری اسلامی ایران را بعنوان پرچمدار و مجری خشونت و سرکوب سیستماتیک زنان کاندید و انتخاب کرد.

آپارتاید جنسی حکومت میکند که با قوانین مدنی و اسلامی بسیار مشخص خود زنان را تحقیر و به شهروندان درجه دو تبدیل میکند. این سیستم همزمان فرهنگ عقب افتاده و ضد زن خود را نیز در جامعه تبلیغ و گسترش میدهد و با قوانین و بطرق مختلف مثل سرکوب و حجاب اجباری و غیره از آن پاسداری میکند. در اینجا زنان به وحشیانه ترین شکلها مورد سرکوب و تحقیر قرار میگیرند. زنان گویا اینکه همانند مردان در تمامی عرصه ها فعال و تعیین کننده هستند بخاطر جنسیت خود چه از طریق قانون و چه از طریق شرع مورد تبعیض قرار گرفته و شهروندان درجه دو محسوب میشوند.

در ایران هم اکنون فعالین زن دستگیر و شکنجه میشوند. آپارتاید جنسی در ایران به بدترین شیوه ها زنان را سرکوب میکند والان حتی شورش را هم در آورده است. طرح لباس "گرترا/اسلامی در کارخانه ها" که قرار است با ایجاد کلاسهای قرآن و آموزش امر به معروف و نهی از منکر پیاده شود چیزی جز قسمتی از پروسه سرکوب کارگران و تحقیر و به سکوت واداشتن آنها بخاطر مبارزاتشان در امر دفاع از حقوق خود نیست. طرح "مسخره" جداسازی بیشتر جنسی در ایران بصورت "ایجاد هتل های زنانه" در شهرهای مختلف چیزی جز راحت کردن خیال خود مسئولین بیمار و ضد زن این رژیم را ندارد که خود بخوبی واقفند که اتحاد عمل زنان و مردان وجود یک جامعه سالم و بشاش و مختلط تیشه به ریشه شان خواهد زد.

هنگامی که صحبت از آمار برای نشان دادن انواع خشونت علیه زنان در دنیا میشود خواندن و درک این ارقام بسیار تکان دهنده است. ارقامی مثل اینکه هشتاد درصد مهاجرین زنان و کودکان هستند، یا اینکه هفتاد و نه کشور قانون مشخص علیه خشونت به زنان را ندارند یا اینکه از هر سه زن در دنیا یکی از آنها مورد کتک و یا تجاوز قرار گرفته است یا اینکه در کشور هند حدود پانزده هزار زن هر ساله بخاطر جهیزیه کشته میشوند و یا در استان خوزستان در سال 2003 در عرض دو ماه جهل و پنج زن زیر بیست سال بخاطر دفاع از ناموس و فرهنگ کشته شده اند (استناد شده از سایت امنستی اینترناشنال راجع به خشونت به زنان 2007).

خشونت علیه زنان بصور مختلف یک مشخصه دنیای امروز است. امروزه نمیتوان جایی را یافت که این پدیده وجود نداشته باشد. شکل و درجه شدت این خشونت در عمل تغییر میکنند. در جایی طبق قانون تفاوتی بین جنسیتها نمیایی و از حقوق مساوی برخوردارند ولی فرهنگ مردسالار هنوز زنده است و از طرف سیستمهای حاکمه باز تولید میشود. بازتولیدی این فرهنگ بخاطر منافع آن سیستم سیاسی است و فرهنگ مردسالار همچون پدیده های دیگر مثل مذهب و غیره به استفاده گرفته میشود که منافع این سیستم حفظ شود این بحث مفصلی است که در اینجا الزامی ندارد که به آن پرداخت.

در جایی دیگر فرهنگ مردسالار و سنتهای ضد زن در جامعه نرم است و سیستم حاکمه چه از طریق قانون و یا چه از طریق باج دهی و احترام به این فرهنگ به آن دامن میزند و آن را زنده نگه میدارد و مجریان این پدیده را مورد تخفیف و یا بخشودگی قانونی قرار میدهد. زنان در این شرایط هم تحقیر و مورد خشونت واقع میشوند و از موقعیت پائین تری نسبت به مردان برخوردارند.

عمل خشونت بطرق مختلف در زندگی اکثر زنان پیاده میشود. در آنجا که بسیاری از جنین های دختر سقط میشوند تا جائیکه آلت تناسلی آنان از کودکی توسط مجریان کور سنتهای ضد زن، ناقص میشود تا این دختران نتوانند در آینده از لذتهای بحق و طبیعی جنسی لذت ببرند. در آنجا که قربانیان تجاوزها جرات شکایت و یا حتی مطرح کردن آن را بخاطر حرمت خانواده و خدشه دار شدن ناموس خانواده ندارند و تا جائیکه پلیس علت اصلی این تجاوز را به نحوه لباس و یا حرکات آن زن ربط میدهد. و یا حتی در جوامع مدرن که تفاوت مرد زن و مرد در شرایط مساوی حتی به اختلاف بیست درصد بنفع مرد میرسد و این خود حاکی از یک نوع تبعیض و خشونت دولتی به نیمی از شهروندان بخاطر جنسیتشان میباشد.

این خشونت ها همچنان ادامه دارد تا آنجائیکه "سب" به زنان تعلق ندارد و بیشترین قربانیان جامعه با انگیزه های مختلف زنان میباشد.

در جایی دیگر مثل ایران یک حکومت



حجاب پرچم آپارتاید جنسی است

سارا: چرا در خانواده‌ها همیشه دعوی عروس و مادر شوهر یا عروس و خواهر شوهر همیشه وجود داشته اما در بین مردان با عروس خانواده این مشکلات به مراتب بسیار کمتر به چشم می‌خورند؟ چرا زنان در یک خانواده حتی در جامعه نمی‌توانند آن اتحاد و همبستگی لازم را بوجود آورند؟



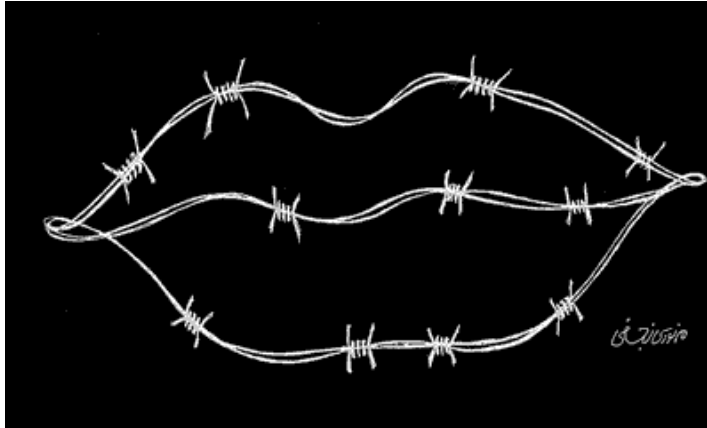
هستیش میشود. به این اگر فاکتور افکار و فرهنگ عقب مانده و خرافاتی که مرتب در جامعه پمپاژ میشود را اضافه بکنیم میتوان عمق شك و خلاق فقدان هویتی مادر را در پروسه جدایی فرزند برای تشکیل زندگی مشترک را نزد مادر حدس زد.

میپرسید چرا پدر شوهر برخورد کم خصمانه تری از خود نشان میدهد
من فکر میکنم نه تنها پدر احتمالاً آن خلا هویتی و تکیه گاه عاطفی را به نسبت مادر احساس نمیکند، بلکه شاید به خاطر پایداری نام و نسل و هویت خانواده هم خوشحال باشد.
بر حسب تصادف، در صورت نازا بودن عروس، رفتار پدر شوهر مورد نظر سوال کننده، آیا به همان ملایمت ادامه خواهد داشت! تا آنجا که به ظرفیت فرهنگ عقب مانده برمیگرده، عروس مستقل از پسرش و نوه هویتی ندارد.

در انتها، مجدداً تأکید میکنم برای برقراری زندگی انسانی و شاد تنها راه تغییر شرایط خشن و ضد انسانی حاکم بر جامعه است. باید جانورانی که پاسداران و ماشین تولید عقب ماندگی در جامعه هستند را قبل از هر چیز بزیر کشید.
زری اصلی

zariasli@yahoo.ca

فرهنگ بغایت عقبمانده، خرافات و مذهب مثل هجوم آواری از تابلوهای ورود ممنوع از همان دوران کودکی شروع میشه. از حذف حضور فیزیکی با حجاب (بخوانید



کیسه) گرفته تا با پسوند نام همسر یا فرزند پسرش صدا زدن.
مجموعه فشارهای روحی روانی فوق، نداشتن حق انتخاب آزادانه و برابر، عدم استقلال مالی، هویت مستقل و غیره زن را به مراتب در موقعیت شکننده تری قرار میدهد.
عموماً جای خلأ نیاز طبیعی نسبت به عشق و علاقه بدون قید و شرط را متأسفانه تنها با مادر شدنش جایگزین میکند. رابطه مادر و فرزندی تکیه گاه و علت وجود و

این قبیل ناهنجاریهای موجود در خانواده هم فردی و شخصی نیست؛ آدمها موجودات متخاصم و ناملایم بدنیا نمی آیند، بلکه، روزگار بشدت غیر انسانی بتدریج روی

کاراثر فرد اثر خودش را میگذاره.
وقتی میزان اختیار انسان، استقلال و هویتش، رفع نیاز مادی و معنویش یا حتی مفید بودن موجودیتش با پول توی جیبش رابطه مستقیم دارد؛ بسختی میتوان انتظار روابط سالم و شاد را هم داشت.
حالا در این وانفسا در جامعه ایکه نه تنها فرهنگ مردسالار مانند هر جامعه نابرابر دیگه مرتباً بازتولید میشه زن رسماً و قانوناً انسان ناقص العقل بحساب میاد.

منازعات ما بین والدین پسر (عمدتاً از جانب مادر شوهر) و عروس قدمت دیرینه دارد. با اینکه فکر میکنم بسیار اندکتر از زمان گذشته ما شاهدش باشیم. این معضل را همیشه جدا از شرایط غیر انسانی بودن جوامع تا کنونی بررسی کرد و پاسخ داد
فرض کنید که آدمها در یک جامعه آزاد، برابر، مصون و شاد زندگی میکنند و از حق انتخاب آزادانه در تمام مراحل زندگی شان برخوردار باشند، زن مجزا از همسر، پدر و فرزند و غیره دارای هویت مستقل و آزاد خودش در جامعه باشه و هیچگونه وابستگی اقتصادی به هیچ احدی نداشته باشه. قید و بند، نیاز و وابستگی اقتصادی نقشی در کاراثر و یا در تصمیمات زندگی اش نداشته باشه و مانند دیگر شهروندان جامعه، مستقل از میزان توانایی یا قابلیتهای فردیش از امکانات موجود در جامعه برخوردار باشه.
آیا در این صورت میشه بروز و وجود اینگونه تخاصمات ذکر شده در بالا را تصور کرد؟ من فکر نمیکنم.
روابط آدمها بشدت متأثر از مناسبات حاکم بر جامعه ایست که درش زندگی میکنند. علی العموم رفتار و چگونگی روابط اعضای خانواده نسبت بهم هم در این میان مستثنی نیست. نتیجتاً پاسخ و راه حل کاری در مقابل

تلویزیون بی حجاب، برنامه ای از علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن را ببینید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید

تلویزیون بی حجاب تریبون همه شما زنان و مردان برابری طلبی است که از نابرابری و تبعیض و آپارتاید جنسی به تنگ آمده اید و مصمم هستید که به ستمگشی زن و تبعیض و نابرابری خاتمه دهید.
با تلویزیون بی حجاب همکاری کنید، برای آن گزارش بفرستید و در بحثهای آن شرکت کنید. برای تماس با تلویزیون به آدرس زیر ایمیل بزنید:
sohailasharifi@yahoo.co.uk

تلویزیون بی حجاب را می‌توانید روزهای سه شنبه ساعت 7 تا 8 شب روی ماهواره هاتبرد ۸- فرکانس 12303 مگاهرتز - سیمبل ریت 27500 - اف ای سی 4/3 پولاتریزاسیون عمودی ببینید. این برنامه روزهای چهارشنبه ساعت 4.30 تا 5.30 تکرار می‌شود

برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد

تحت حاکمیت جمهوری اسلامی همه چیز بر علیه زن است!

از صفحه ۲

بی حجاب: آیا زنان زیادی را می توان در موقعیتهای کلیدی در ادارات و شرکتها یافت؟

فرزانه اکبری: امروزه در سایه بالارفتن نسبی میزان زنان تحصیل کرده، علیرغم وجود محدودیتهای استخدامی در دواير دولتی و دقیقاً بدلیل توان بالای زنان تحصیل کرده در عرصه های مختلف آموزشی، بهداشتی و در سالهای اخیر مهندسی ما شاهد حضور زنان در عرصه های مختلف در ادارات و بویژه در شرکتهای خصوصی هستیم. به عنوان يك مثال بارز در سالهای نه چندان دور حضور زن در کارگاههای ساختمانی و یا صنعتی و حتی کارخانجات و یا مراکز صنعتی دور از مراکز شهری بندرت دیده میشود، ولی امروزه این شرایط تغییر پیدا کرده است و شما در دور افتاده ترین مراکز کار هم شاهد حضور زنانی هستید که بدون احساس هر گونه فاصله ای با مردان بکار مشغولند. این خود بطور مادی میزان وجود نیروی کار زنان در جنبش کارگری را بالا برده است و اکثریت عظیم مزد بگیران جامعه دیگر به مردان اختصاص ندارد. و فکر میکنم یکی از علل پیشروی جنبش زنان میتواند همین عامل باشد و در این میان به همین نسبت در ادارات و شرکتها نیز زنان در موقعیتهای کلیدی جدیدی مانند مدیر پروژه و یا رئیس بخش مهندسی که سنتا در اختیار مردان بود قرار گرفته اند.

بی حجاب: اشکال متفاوت مقاومت زنان کدامند؟

فرزانه اکبری: زنان عموماً با تلاش زیاد برای پر کردن این فاصله و در موارد زیادی نیز بویژه در سالهای اخیر در قالب اعتراض و حرکتهای اجتماعی به مقاومت دست میزنند. بطور مشخص اعتراضات به قوانین تبعیض آمیز هم بطور فردی و هم جمعی نمود دارد. به اعتقاد من رشد قبولی در کنکور ورودی دانشگاهها خود یکی از نمود های عینی و واقعی تلاش زنان برای کم کردن فاصله خود با مردان در ایران امروز است. قبولی 63 در صدی دختران و زنان در کنکور به حدی این واقعیت زمخت را در جامعه نشان داد که هیچ کسی قادر به انکار نقش مهم زنان در عرصه جامعه نشد. حاکمیت زن ستیز وحوش اسلامی بالاجبار دست به بکار گیری صدور بخشنامه تبعیض

آمیز به وزارت آموزش عالی در رابطه با سهمیه بندی برای مقابله با این پیشروی دختران برای ورود به دانشگاه شدند. که این خود بی آبرویی بیشتری را به رژیم به همراه داشت. به هر حال اشکال مختلف مقاومت در تمامی عرصه ها، از جمله اعتراض به قوانین قضائی تبعیض آمیز، زنان را در موقعیت جدید و بهتری نسبت به گذشته قرار داده است. در سالهای اخیر زنان با تشکیل تشکل های مختلف غیر دولتی دفاع از حقوق زنان به اشکال جدیدی از مقاومت دست زده اند که در نوع خود جالب و موفقیت آمیز بوده است.

بی حجاب: برخورد زنان و جامعه بطور کلی به کسانی که مجبور به تن فروشی هستند چطور است؟

فرزانه اکبری: به اعتقاد من جامعه ما هنوز در برخورد به زنانی که برای امرار معاش دست به تن فروشی میزنند با مشکل روبرو است. غیر از بخش روشنفکر جامعه سایر بخشهای جامعه در برخورد با مقوله تن فروشی با دیدی اخلاقی سنتی و عقب مانده مذهبی روبروست. جامعه با درک انسانی در برخورد با معضل تن فروشی فاصله دارد. البته باید اضافه کرد که با پیشرویهای جنبشهای اجتماعی زنان و جنبش کمونیسم کارگری ما شاهد تغییر ریلهایی در افکار عمومی هستیم ولی در افکار عامه هنوز با پذیرش این معضل به عنوان معضلی که ریشه در بنیادهای اقتصاد سرمایه داری دارد و تنها با دست بردن و تغییر بنیاد های جامعه امکان زدن ریشه این معضل وجود دارد، فاصله وجود دارد. نیاز به گذشت زمان و کار آگاهگرانه در این دوره است که میتوان دید جامعه را نسبت به این قربانیان سرمایه و سرمایه داری تغییر داد. عام در جامعه امروز هنوز فکر میکند که علت رو آوری يك زن به تن فروشی اخلاقی و فردی است تا اجتماعی - اقتصادی. البته ارتقا آگاهی جامعه نسبت به موضوع دارد بطور فزاینده ای اتفاق میافتد و آینده را خیلی روشن میشود دید.

بی حجاب: آیا فکر می کنید مردم با درک و سمپاتی بیشتری به این افراد برخورد می کنند؟

فرزانه اکبری: همانطور که در جواب به سوال بالا اشاره داشتم، بخش دید جامعه نسبت به زنان تن فروش در حال تغییر است، ولی

استقلال اقتصادی و داشتن هویت مستقل انسانی است. علتهای زیادی دارد که در فرصت دیگری میتوان به تفصیل به آنها پرداخت.

بی حجاب: چه سختیها و مشکلاتی برای ایندسته از زنان وجود دارد؟

فرزانه اکبری: این دسته از زنان اگر خانه نداشته باشند (منظور مالك خانه باشند) و بخواهند در خانه های اجاره ای زندگی کنند، اولین و مهمترین مشکلشان اجاره کردن خانه است. در شهرهای بزرگ البته کم کم دارد جا میافتد که چند دختر باهم و یا يك دختر و یا خانم تنها خانه ای اجاره کنند و زندگی کنند. مشکل بعدی امنیت اجتماعی این زنان است. جامعه مرد سالار و فرهنگ زن ستیز بخشی از جامعه و نگاه بدبینانه همین بخش به این زنان مشکل دیگر این انسانهاست. به عنوان نمونه در رابطه با نگاه عقب مانده در جامعه به زنان و یا دختران تنها موردی را بیاد دارم که بد نیست گفته شود. یکی از دوستان که از شوهرش جدا شده است و با تنها فرزندش زندگی میکند، میگوید که اکنون 4 سال است که از شوهرم جدا شده ام ولی برای جلوگیری از حرف و حدیث های دیگران هنوز این جدائی را از نظر ثبت در دفاتر ازدواج و طلاق رسمی نکرده ام. از روی همین نمونه به سنگینی فشار فرهنگ منحط و ضد انسانی و عقب مانده و ارتجاعی مذهبی و سنتی میتوان پی برد. متأسفانه همین نگاه سنگین در مورد زنان و دخترانی که در جامعه تنها زندگی میکنند وجود دارد و عرصه زندگی آزاد و بی دغدغه را بر آنان تنگ کرده است. انگار زن نه به عنوان يك انسان دارای شعور و صاحب اختیار بلکه به عنوان انسانی که ضعیف است، ضعف اخلاقی دارد و نیاز به نگیهان دارد شمرده میشود. هویت و اختیار انسانی اش از او سلب شده و به موجودی که باید به او شك کرد تبدیل شده است.

هنوز برای عمومیت یافتن درکی انسانی از موضوع تن فروشی و اینکه باید با این قربانیان نظم ضد انسانی سرمایه برخورد انسانی داشت نیاز به کار آگاهگرانه میباشد.

بی حجاب: مسئله ناسیونالیسم و فرهنگ عظمت طب ایرانی و تقدس سنتهای ایرانی چقدر در راه رهائی زن می توانند مانع باشند؟

فرزانه اکبری: به اعتقاد من در مبارزه زنان برای آزادی و برابری دید ناسیونالیستی و فرهنگ ایرانی گری و سنتهای آن هیچگونه جایگاهی ندارد. بدین معنی که من بشخصه نه جایی برخورد کردم و نه جایی خواندم که مثلاً زن ایرانی به علت ایرانی بودنش باید دست به رهائی خود بزند و یا اینکه علت بروز جنبشهای اعتراضی در میان زنان زیر پا گذاشته شدن سنتهای ملی و ناسیونالیستی در مورد زنان بوده و باید برای بدست آوردن این جایگاه دست به مبارزه زد. البته جنبش ناسیونالیستی برای نشان دادن اینکه در جنبشهای حال حاضر حضور دارد، بدش نمیاید که بگوید زنان برای بدست آوردن عرق ملی شان دست به مبارزه میزنند و زن ایرانی ال است و بل است. در حالی که شاخص های مبارزه زنان در سالهای اخیر مراسمهای روز جهانی زن (8 مارس) است و نه تولد فرح پهلوی و یا فلان شخصیت ملی زن در تاریخ.

بی حجاب: آیا تعداد دختران و زنانی که تنها زندگی می کنند در ایران زیاد است؟

فرزانه اکبری: در سالهای اخیر تعداد دختران و زنانی که تنها (منظور بدون شوهر) زندگی میکنند بیشتر شده و روز بروز نیز بیشتر میشود. یکی از علتهای آن مقابله با دیدگاه های مرد سالارانه در ازدواج و اینکه زن نباید در بیرون کار کند و کار زن باید در آتشیخانه و کنج خانه باشد، است. دیگر علت آن را میتوان گرایش زنان به داشتن



نه جنگ، نه بمب، نه حجاب!

اورگازم یا لذت جنسی در زنان چه تحولات تاریخی را طی کرده است

فریده آرمان

مقدمه

پرداختن به این موضوع از این نظر که چطور بی حقوقی زنان و تبعیض به زنان حتی در زمینه های علمی و بیولوژیک نیز اعمال می شده و تا کنون نیز می شود، حائز اهمیت است.

مسئله انکار لذت جنسی در زنان و نادیده گرفتن آن و حتی دست زدن به ختنه زنان در بسیاری از کشورها که باعث نقض عضو زنان می شود، مشکلی جدی است که باید در باره آن به بحث و روشننگری پرداخت.

وقتی به این آمار که روزانه 6000 زن که ختنه شده اند در دنیا در معرض خطر مرگ در هنگام زایمان و نزدیکی جنسی قرار می گیرند، رجوع کنیم متوجه می شویم که این مسئله چه اهمیت زیادی دارد. ختنه زنان نه تنها باعث نقض عضو در زنان می شود و آنها را از لذت بردن در هنگام نزدیکی جنسی محروم می کند، همچنین باعث بیماری ها و مشکلات جسمی فراوانی برای آنها خواهد شد.

در بسیاری از کشورهای آفریقایی و کشورهای اسلام زده زنان محکوم به ختنه می شوند، تا هرگز در زندگی شان از رابطه جنسی لذت نبرند و مالکیت مردان به زنان دو قبضه تامین شود.

این مطلب یک بخش ترجمه شده از کار تحقیقی یک دختر دانشجو می باشد.

بخش زیادی از تاریخ مربوط به آناتومی زنان از طریق مردان بدست داده شده. آنچه به نفع مردان بوده در موردش نوشته اند ولی در مورد بسیاری چیزها بطور باز و علنی صحبت نکرده اند.

اولین بار در سال 1559 "رونالد د گراو" Ronaldo de Gravus بود که بعد از مطالعه در مورد کولیتریس (غده کوچک به اندازه عدس در قسمت بالای اندام جنسی زن که عامل تحریک جنسی زنان است) اعلام کرد که این غده برای تولید مثل زنان زیبا و مفید است.

100 سال بعد " رنه د گراو" Rene de Gravs که شخصی هلندی بود و فکر می کرد اولین کسی است که کولیتریس را مورد مطالعه قرار داده است و همان راه رونالد د گراو



مانند بیماری غش، عصبانیت شدید و انواع جنون و دیوانگی از کولیتریس سرچشمه می گیرند. او معتقد بود که راه درمان آن از بین بردن و برداشتن کولیتریس است تا بتوان زنان را معالجه کرد. دکتر بران مورد باز خواست قرار گرفت ولی ایده و نظر او از بین رفت. صدها زن حتی در دهه 1920 ختنه شدند.

همانطور که در مقدمه مطلب گفتیم زنان حتی در رابطه با بدنشان نیز در طول تاریخ و تا همین زمان به انحای مختلف مورد تبعیض قرار گرفته اند. این تبعیض زوایای زیادی دارد. انکار لذت جنسی در زنان، عدم بررسی و تحقیق علمی لازم در مورد آلت جنسی زن و فونکسیونهای آن، عدم توجه لازم جوامع مختلف به آگاهی دادن و انتشار کتب آموزشی لازم در سطوح مختلف باعث شده است که بسیاری از زنان اصولا این پدیده را نشانسانند. بسیاری به ویژه دختران جوان که آمار آن بسیار بالا است در هنگام داشتن سکس دچار اورگازم نمی شوند. بسیاری از زنان در هنگام داشتن سکس فقط به ارضای مرد خود رضایت می دهند و لذت بردن خودشان را به رسمیت نمی شناسند. میلیونها زنی که ختنه شده و کولیتریس آنها بریده شده عملا دچار نقض عضو میشوند. بسیاری از این دسته از زنان حتی بعد از ختنه شدن، دوخته می شوند و در محوطه آلت جنسی زن فقط سوراخ کوچکی باقی می ماند که همین مشکلات جسمی فراوان و درد زیادی در هنگام نزدیکی جنسی و زایمان برای این دسته از زنان به همراه خواهد داشت. و سالانه زنان زیادی دچار بیماری های عفونی میشوند و جان خود را از دست می دهند.

من فکر می کنم در یک جامعه مدرن می بایست این تابو شکسته شود. جامعه موظف است به جوانان خود چه پسر و چه دختر آگاهی لازم را در مورد بدن خودشان بدهد. ختنه زنان ممنوع و برای کسانی که دست به این کار می زنند مجازات سنگین تعیین شود. متاسفانه ما حتی در بسیاری از کشورهای اروپایی که ختنه دختران ممنوع است، شاهد مماشات و بی توجه ای مسئولین در برخورد به این مسئله هستیم. باید جلوی اینگونه برخوردها نیز ایستاد.

در سال 1875 "ون بنده Van Benede" بلژیکی نشان داد که روال تولید مثل چطور عمل می کند، و توضیح داد که کولیتریس ربطی به تولید مثل ندارد. چند سال بعد "فروید Freud" اعتراف می کند که ارضای جنسی مهم است اما زنان باید این ارضای کولیتریسی را بتوانند به مجرای رحم منتقل کنند و اگر نتوانند این کار را کنند به لحاظ جنسی دچار مانع خواهند بود که این می تواند با ترابی درمان شود.

سنت مسیحی لذت جنسی را که زنان مصمم بودند تجربه کنند کفر قلمداد کرده است. طبق این دیدگاه طبیعت در بخشهای خصوصی بدن زن حیوانی نهان کرده است که در دوران جادوگری داشتن یک کولیتریس بزرگ به معنی داشتن نشان شیطان بود.

علم بتدریج حیوان و دیو را از این ماجرا پاک کرد اما هنوز عموما کولیتریس را با بیماری و غیر نرمال بودن جایگزین کرد. در دهه 1800 همجنس گرایی زنان (لزبین بودن) بیماری تلقی شد و خود ارضایی جنسی را عاملی برای دچار شدن به بیماری های زردی، ناپیایی و مرگ زود رس تلقی کردند. پزشکان با این نتیجه رسیده بودند که تحریک جنسی در زنان باعث مشکلات عصبی در زنان می شود و علت آن هم به کولیتریس مربوط است.

سال 1865 دکتر "بیکر بران Baker Brown" اعلام کرد که بعضی از امراض

در ادامه داد به این معنی که کولیتریس یک ارگان مهم است و همچنین گفت که زنان نباید بدون احساس لذت جنسی که از کولیتریس حاصل می شود، بگذارند حامله شوند. بعد از "دگراز" 200 سال دیگر اهمیت غده کولیتریس به فراموشی سپرده شد. در سال 1844 "جورج کولبه Geore Kolbe" آلمانی طرح هایی را از غده کولیتریس به چاپ رساند و بعد از آن علم پزشکی نمی توانست غده کولیتریس را نادیده بگیرد.

در سال 1900 در کتابهای آناتومی که توسط "گرتز Greyz" به چاپ میرسد طرحهایی از کولیتریس در آن به چشم می خورد ولی در 1948 و چاپ های بعدی این طرح ها ناپدید می شود. علم هرگز با کولیتریس احساس راحتی نکرده است. همیشه تصور شده که موجودیت کولیتریس قابل توضیح منطقی نیست چون هدف ارتباط جنسی تولید مثل است. وقتی تصور میشد که کولیتریس به خاطر توان بیشتر زن برای حاملگی وجود دارد روی تمام خصوصیات مفیدش تاکید می شد. "سقراط Hippokrates" که پزشک بود تصور میکرد که زنان هم اسپرم دارند و باید تحریک جنسی شوند تا بتوانند حامله شوند. این تئوری تا مدتهای طولانی ادامه داشت علیرغم شک و تردید کلیسا که علیه هرگونه لذت بردن بود.

سال 1865 دکتر "بیکر بران Baker Brown" اعلام کرد که بعضی از امراض

به علیه تبعیض پیوندید!



نسرین آریس

و ادار کند تهدید میکرد که بچه را از من خواهد گرفت. یک روز که تماما مشغول تمیز کردن پنجره های خانه بودم بعد از تمام شدن کارم همسرم به خانه آمد و به بهانه پوچ شروع به دعوا کردن با من کرد، در این روز کتک مفصلی به من زد.

دیگه طاقتم تمام شده بود و برای اولین بار به همراه پسر من از خانه فرار کردم. به خانه پدرم رفتم. بعد از اینکه مدتی گذشت، همسر من آمد و بدون اطلاع من پسر را با خود برد و این باعث شد که من به دنبال فرزندم به خانه او برگردم. در یکی از دعوای خانوادگی با مشت محکم به صورتم زد و استخوان بینی من را شکست و لی جرات شکایت از او را نداشتم از ترس اینکه مبادا بچه ام را از من جدا کند. دیگه این زندگی با مردی زن باز و خشن برایم غیر قابل تحمل شده بود، تصمیم به جدایی گرفتم.

جریان طلاق و از دست دادن فرزندم یکی دیگر از سختیهای زندگی من بود. قوانین غیر منصفانه علیه زنان در جمهوری اسلامی باعث شد که حتی با وجود اینکه دلایل بسیار محکمی برای جدا شدن از همسر و اینکه شایستگی نگهداری فرزندمان را ندارد، حق نگهداری از فرزند را به پدرش دادند. من فقط میتوانستم ماهی یکبار چند ساعت بچه را ببینم. خانواده و پدرم به من فشار می آوردند که پسر را فراموش کنم و او را ملاقات نکنم. من فقط موفق شدم چند بار به واسطه بستگان، فرزندم را ملاقات کنم. در آن زمان در شرایط روحی خوبی نبودم. پس از مدتی شرایط و موقعیت ازدواج با مردی که در خارج از کشور زندگی می کرد برایم فراهم

با من به دنیای تبعیض به زنان بیاید

کوتاهی حامله شدم زایمان بسیار سختی داشتم احساس میکردم نوزاد درون وجود من میدانند که چه دنیایی در انتظارش است و نمیخواهد به این دنیا پا بگذارد، او را میفهمیدم و به او حق میدادم. بعد از دو روز درد کشیدن، دکتر زایمان نظر داد که باید سزارین شوم. برای این کار اجازه همسر رami خواستند ولی مادر شوهرم را و او را استراحت به خانه فرستاده بود و خودش آنجا بود. مادر شوهرم هم میگفت زنی که سزارین شود مثل چینی ترک خورده است. همسرم اجازه برای عمل سزارین را نداد. با زجر و آسیب فراوان این پروسه به پایان رسید.

زندگی با روال سابقش می گذشت. همسرم معتقد بود چون فرزندمان پسر است باید خشن باریباید و لوس نباشد. هر حرف و صحت محبت آمیز من و پسر من با دعوای همسر من مواجه میشد و این به من و پسر من یاد داده بود که هرگز وقتی که همسر من خانه است ما نباید باهم خیلی صمیمی و دوستانه برخورد کنیم. نمیتوانست احساسات زیبایم را به پسر هر زمانی که پدرش در خانه بود به او نشان دهم. او هم همین طور رفتار میکرد. وقتی پدرش خانه بود نزدیک من نمی شد. وقتی پسر صدای زنگ در خانه را می شنید هول میشد و با زبان چپه گانه اش میگفت: "دیگه به من نگاه نکن، نگو عزیزم، بابا داره میاد" ما هر دو مجبور به نقش بازی کردن در خانه بودیم می بایست در خانه دو چهره می داشتیم برای بچه ۴-۳ ساله این خیلی سخت و دردناک است. بچه ما وسیله ای برای اذیت کردن و شکنجه روحی من بود. هر وقت میخواست که مرا مطیع کند یا به کاری

به من سب روز جهانی علیه خشونت به زنان 25 نوامبر تصمیم گرفتیم که در مورد زندگی ام بنویسم.

با من به دنیایی بیاید که در آن تبعیض را تجربه کردم و با تبعیض زندگی کردم، بیایید همراه من تا به شما نشان دهم که چقدر سخت است زندگی در این شرایط. چقدر زندگی میتوانست شیرین تر و راحت تر باشد اگر تبعیض وجود نداشت. من با تمام سلولهای وجودم برای آزادی زن و علیه این همه تبعیض و بی عدالتی که در حق زنان صورت میگردد تلاش خواهم کرد تا شاید میلیونها زن و دختر دیگر به سرنوشت من دچار نشوند.

در سن ۱۸ سالگی که هنوز به دبیرستان میرفتم مرا به عقد ازدواج مردی معتاد درآوردند که بسیار خوشگذران و سخت گیر بود. او به من مظلون و بسیار بد دل بود. وقتی که ازدواج کردم دنیایم تغییر کرد، دیگر این مرد بود که برای من تصمیم میگرفت لباسم را و انتخاب میکرد اجازه آرایش کردن نداشتم، پشت تمام پنجره ها پرده کلفت زده شده بود که از بیرون، درون خانه دیده نشود. مطلقا حق خروج از خانه را نداشتم و بایستی با او و یا خانواده اش بیرون میرفتم.

من حتی اجازه قدم زدن چند دقیقه را هم نداشتم. اگر بیرون میرفتم و از بخت بد مردی به من نگاه میکرد با وجود اینکه من حجاب هم داشتم باز مورد بازخواست قرار میگرفتم، که چرا مردی به من نگاه کرده است. این خطای من محسوب میشد.

روزگار من با دعوا و خشونت همسرم میگذاشت. هر روز به بهانه ای مرا مورد خشونت قرار میداد و کتک میزد بعد از مدت

به مناسبت روز جهانی علیه خشونت به زنان (25 نوامبر)

فریده آرمان

روز 25 نوامبر هر ساله در شهر مالمو مراسمی به همین مناسبت برگزار میشود. کمیته دفاع از حقوق زنان در شهر مالمو به شکل فعالی در این مراسم شرکت می کند تا بی حقوقی را که به زنان در ایران و سایر کشورهای اسلام زده تحمیل می شود به جامعه در سطح وسیعتری نشان دهد.

امسال نیز ما خود را از قبل آماده کردیم و درباره خشونت به زنان در دنیا و در ایران و همچنین در کشور سوئد جایی که در آن ساکن هستیم اطلاعات و مصاحبه هایی در رادیو محلی مالمو به اسم رادیو همیستگي در دو هفته ترتیب دادیم که در جهت آگاهی رساندن در رابطه با این موضوع صورت گرفت. در روز یکشنبه هم به

آریس از جمله سخنرانان این آکسیون بودیم. من در سخنرانی خود که مختصری از آن در روزنامه هم چاپ شده به نوع دولتی خشونت به زنان اشاره کردم. من گفتم که خیلی از شما در رابطه با خشونت مردان به زنان صحبت کردید و این موضوع آشنایی برای شما است ولی من از کشوری میایم که زنان در آن مورد دو نوع خشونت قرار میگیرند. خشونت مردان به زنان در خانواده و خشونت دولتی و سازمان یافته که ابعاد میلیونی دارد. چندین مثال برای شنوندگان زدم تا موضوع برایشان روشنتر شود. اینکته تحت حاکمیت جمهوری اسلامی صدها هزار زن در خیابانها مورد اذیت و آزار و خشونت و شلاق خوردن قرار گرفته اند فقط به دلیل بد حجابی. گفتم طبق قانون حکومت اسلامی در موقع طلاق نگهداری از بچه به مرد و یا خانواده او متعلق است مگر اینکه آنها نخواهند و فقط به دلیل همین قانون صدها و یا شاید میلیونها زن

در شرایط نامناسب زناشوئی باقی می مانند زیرا نمی خواهند که از فرزندشان دور شوند و شرایط غیر انسانی را تحمل می کنند. گفتم می دانید که اگر زنی در موقع زایمان احتیاج به سزارین داشته باشد برای این کار اجازه مرد لازم است؟ میدانید یک زن به دلیل داشتن سکس خارج از ازدواج می تواند اعدام و یا سنگسار شود و این لیست ناپایان است.

گفتم در ایران آپارتاید جنسی وجود دارد و در این مورد توضیحاتی دادم.

در پایان از مردم خواستم که از مبارزه زنان در ایران برای آزادی و برابری حمایت کنند. خواهان بسته شدن مدارس مذهبی در تمام اروپا و کشور سوئد شدم. به نظر من در این مدارس بی حقوقی و نابرابری زن و مرد تثویزه می شود.

جایگاه زن در قرآن

مراد شیخی

شده بدهید کنیزکانی که عقیف باشند نه زناکار و نه رفیق دوست دار، پس چون شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سر زد بر آنها نصف عذاب زنان پارسای آزاد است. این حکم درباره کسی است که بترسد مبادا به رنج افتد و اگر صبر کنید برای شما بهتر است و الله بخشنده و مهربان است.

سوره احزاب آیه پنجاه و یک

امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق دهد الله زنان بهتر از شما به جایان با او همسر کند. مسلم، مومن، مطیع پرهیز کار، مهاجر و انصار، بیوه یا باکره. سوره تحریم آیه پنج

با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر که ایمان آورند و همان کنیزکی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است. هر چند از حسن و جمال او بشکفت آید و زن به مشرکان ندهید مگر آنان که ایمان آرند همانا بنده مومن بهتر از آزاد مشرک است.

سوره بقره آیه دویست بیست و یک

و هر که وسعت و توانایی آن نباشد که زنان پارسای با ایمان گیرد پس کنیزان مومن که مالک آنها شدید به زنی اختیار کنید و خدا آگاهتر است بمراتب ایمان شما که اهل ایمان همه بعضی از جنس بعضی دیگر و در رتبه یکسانند. پس با کنیزان مومن با اذن مالکش ازدواج کنید و مهر آن بدانچه معین

خاله آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زن مومنه ای که خود را به رسول بی شرط و مهر ببخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشد، که این حکم مخصوص تو است و نه مومنان که ما حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی مومنان را بعلم خود بیان کردیم، این زنان را همه بر تو حلال کردیم بدین سبب بود که بر وجود تو در امر نکاح هیچ خرجی و زحمتی نباشد.

سوره احزاب آیه پنجاه

تو ای رسول هر یک از زنان را که خواهی دوستش موخر دار و هر که را خواهی به خود بپذیر هم آن را که از خود راندی اگرش خواندن باز بر تو باکی نیست. این بهر شادمانی دل و روشنی دیده آنهاست و هرگز هیچیک باید محزون نباشند بلکه به آنچه ایشان را عطا کردی همیشه خشنود باشند.

زنان کشتزار شما را برای کشت به آنها نزد یک شوید. هرگاه مباشرت آنان خواهید و برای ثواب ابدی چیزی پیش فرستید و از الله بترسید و بدانید که نزد او خواهید رفت.

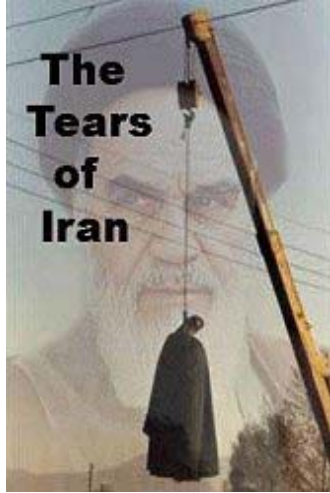
سوره بقره آیه دویست و بیست و سه

مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است. بواسطه آن برتری که الله بعضی را بر بعضی مقرر داشته و...

زنایکه از مخالفت و نافرمانی آنها بیمناکید باید نخست پند دهید و از خوابگاهشان دوری جوید در صورت نافرمانی آنها را به زدن تنبیه کنید.

سوره نساء آیه سی و چهار

ای پیغمبر ما زنانی را که مهرشان را ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که به غنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمه و دختران خالو و دختران



مدارس بی حجاب شعار کمپین ما است

از صفحه ۱۰

بی حجاب: راههای عملی کردن این خواست چیست؟

مینا احدی: نظر من باید قانون عوض شود. یعنی در آلمان و در اروپا باید حجاب در مدارس ممنوع شود. ما در اتحادیه اروپا در یکسال قبل چندین بار نشست و یا سخنرانی داشتیم. یکبار من با مهین علیپور و یکبار من با مریم نمازی در پارلمان اروپا در دفاع از سکولاریسم در اروپا و برای ممنوعیت حجاب در مدارس سخنرانی کردیم. بنظر من باید کاری کرد در اروپا این خواست قانونی شود و به مرحله اجرا گذاشته شود. همانطور که گفتیم این یک نبرد مهم با اسلام سیاسی در سطح بین المللی است و باید در

تحویل حجاب در مدارس و محیط های کار است.

در مبارزه زنان در ایران و در سی سال تجربه با جمهوری اسلامی ایران، میلیونها زن دیده اند که حجاب چه جایگاهی مهمی در جمهوری اسلامی ایران دارد. حجاب پرچم اسلام سیاسی و سمبل تحمیل بی حقوقی به زنان است و جنبش اسلامی با تمام قوا از آن دفاع میکند.

در مبارزه علیه اسلام سیاسی و سازمانهای اسلامی در اروپا این یک عرصه و جبهه مهم است. بهمین دلیل ما در آلمان و در اروپا این مبارزه را اعلام کرده و به پیش خواهیم برد. مدارس بی حجاب شعار این کمپین ما است و تحمیل این خواست به دولتها باعث خواهد شد که جنبش اسلامی گامها به عقب بردارد.

اینجا یک جنبش سیاسی هستند که برای قدرت گرفتن و یا در قدرت ماندن فعالیت میکنند و حجاب و تحمیل حجاب به زنان یکی از عرصه های مهم فعالیت اینها است. من برای آسادی جلسه ۱ دسامبر به سایت یکی از جریانهای اسلامی در آلمان به اسم "مللی گوروش" سر زدم در بخش زنان فقط در مورد حجاب و اینکه در کجا شکایت کرده اند و در کجا موفق شده اند زنی با حجاب به سر کاربرد و غیره حرف زده اند. منظورم اینست که مهمترین معضل اینها در رابطه با زنان همین تحمیل حجاب به زنان و

بی حجاب: اهمیت خواست ممنوعیت حجاب در مدارس چیست؟

مینا احدی: ما در آلمان و در اروپا با یک جنبش سیاسی و ارتجاعی مواجه هستیم که در زندگی و مقدرات مردم در اروپا دخالت میکنند. اینها وابستگان جمهوری اسلامی ایران و یا باندهای ترور اسلامی در افغانستان و عربستان سعودی و یا حزب الله در کشورهای مختلف هستند.

بازداشت، محاکمه و احکام صادره علیه فعالین زنان محکوم است! حکم زندان و شلاق دلارام علی را دادگاه تجدید نظر تایید کرد!



ها بر علیه قوانین عصر بربریت جمهوری اسلامی مبارزه می کنند.

"علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن" قویا حکم دلارام را محکوم می کند. دلارام علی و کلیه فعالین زنان و جنبش دانشجویان باید بی درنگ و بدون قید و شرط آزاد شوند. ما به سهم خود تلاش می کنیم که افکار عمومی جهان را علیه این حکم ضد زن و ضد انسانی بسیج کنیم.

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر حکومت آپارتاید
مرگ بر حکومت ضد زن
علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن
۴ نوامبر ۲۰۰۷

دلارام علی 22 خرداد سال 85 در یک تجمع اعتراضی زنان، مورد ضرب و شتم قرار گرفت و دستگیر شد. دادگاه اول وی را به دو سال حبس و 20 ضربه شلاق محکوم کرد و دادگاه تجدید نظر دو سال و شش ماه زندان و ده ضربه شلاق را تایید کرده است.

جمهوری اسلامی از بدو حیاتش تلاش کرده است که با زندان و شلاق فعالین زن را سرکوب کند. اما این جنبش گسترده تر از هر زمان قوانین تبعیض آمیز و نابرابر جمهوری اسلامی را به مصاف می طلبد. فعالین آزادی و برابری زن در تمامی عرصه

دانشجویان در مراسم ۱۶ آذر بر علیه حجاب و آپارتاید جنسی

مدارس بی حجاب شعار کمپین ما است

مصاحبه با مینا احدی



Saeed Kalhor

بی حجاب: جلسه ۱ دسامبر در آلمان در مطبوعات آلمانی سر و صدای زیادی به پا کرد، این جلسه در مورد چه بود؟

مینا/احدی: این جلسه ای بود مشترک از طرف سازمان اکس مسلم در آلمان و سازمان جردانو برونو که یک نهاد شناخته شده آته نیستی در آلمان است. در این جلسه چهار ه های سرشناس منتقد اسلام سیاسی و مذهب سخنرانی کردند که عبارت بودند از رالف جردانو، گونتر والر اف همچنین گرداننده بحث فیلسوف آته نیست معروف آلمانی میکائیل اشیمیت سالمون بود. در این جلسه ما خواهان ممنوعیت حجاب در مدارس شدیم. یعنی ممنوعیت حجاب کودکان و همچنین ممنوعیت حجاب معلمان.

این جلسه با استقبال زیادی روبرو شد و قبل از برگزاری آن پرشور جلسه که دختر جوانی را نشان میداد که حجاب را پرت میکرد وسیعا در سطح شهر کلن و در رسانه های آلمانی منعکس شد. ما در این جلسه در مورد فعالیت های سازمان اکس مسلم و همچنین مبارزه علیه اسلام سیاسی و اسلام در آلمان و در اروپا و راه های عملی ممنوعیت حجاب کودکان و ممنوعیت حجاب در مدارس حرف زدیم. در این جلسه بیش از ۳۰۰ نفر حضور داشتند و خبر این جلسه و مباحثات آن بعدا در چندین جلسه و سایت آلمانی منعکس شد. از جمله روزنامه سراسری "تاتس" و روزنامه "کولتر اشتات

قتل اسلامیها روبرو شد و بحث زیادی را در مطبوعات دامن زد.

رالف جردانو ۸۴ سال دارد و از بازماندگان هولوکاست است. او چپ و کمونیست بود و با حزب کمونیست آلمان فعالیت میکرد. بعدا از این حزب بیرون آمد و به کار تهیه فیلم و نویسندگی پرداخت. او بارها از سوی نازیها و نتونازیها به قتل تهدید شده بود. اخیرا هم اسلامیها او را تهدید به قتل کردند چرا که در مقابل ساختن يك مسجد در شهر کلن آلمان

از نحوه رفتار سرمایه داران با آنها در آلمان فیلم گرفته و این فیلمها را علنی کرد. در ژاپن با همین روش رفتار با کارگران ایرانی را افشا کرد و در آلمان باز هم با کار کردن در محل يك روزنامه بسیار معروف آلمانی به اسم "بیلد" کتابی نوشت در مورد نحوه کار این روزنامه که سر و صدای زیادی به پا کرد. وقتی خمینی فتوای قتل رشدی را داد والر اف رشدی را به مدت چند ماه در خانه خودش مخفی کرد. او اخیرا میخواست با خواندن کتاب آیه های شیطانی در مسجد کار پر سر و صدای دیگری انجام دهد، ولی با فتوای

انستایگه" و سایت اومانیستهای آلمانی و سایت اشپیگل "اشپیگل اونلاین" و سایت روزنامه دی ولت "ولت اونلاین" و همچنین "اشترن اونلاین" و چندین روزنامه محلی این خبر را منعکس کردند.

بی حجاب: ممکن است سخنرانان و گرداننده جلسه را کمی بیشتر معرفی کنید؟

مینا/احدی: گونتر والر اف یکی از نویسندگان چپ و معروف آلمانی است. فعالیت های او در کارهای زیر زمینی است. او خود را به جای کارگران مهاجر ترک معرفی کرده و مخفیانه

صفحه ۹

سردبیر نشریه بی حجاب:
سهیلا شریفی

sohailasharifi@yahoo.co.uk

همکاران این شماره نشریه:

شهناز مرتب

منوچهر ماسوری

دبیر علیه تبعیض، سازمان دفاع از

حقوق زن:

مهین علیپور

آدرس و شماره تلفن تماس:

nohejab@yahoo.com

0046707777313

سخنگویان علیه تبعیض:

مینا احدی:

minaahadi@aol.com

مریم نمازی:

m.namazie@ukonline.co.uk



Saeed Kalhor